

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دهم، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (صص ۲۲۸-۲۱۵)

توسل در نگاه اشرف علی تهانوی و خلیل احمد سهارنپوری

۱- علی اکبر نصیری

۲- فاطمه دهانی گنکی

چکیده

توسل یعنی انسان با واسطه قرار دادن اموری به خدا نزدیک‌تر شود. بسیاری از مسلمانان از جواز توسل به انبیاء و اولیاء الهی چه در زمان حیات و چه بعد از حیاتشان و بسیاری از وجوه توسل دفاع کرده‌اند از جمله این افراد می‌توان به دو تن از علمای بزرگ دیوبندیه یعنی خلیل احمد سهارنپوری و اشرف علی تهانوی اشاره کرد. ضرورت پرداختن به این موضوع آن است که سبب کسب آگاهی از نظرات این دو تن از علمای دیوبندیه می‌شود که آن‌ها توسل را شرک نمی‌دانند، در این مقاله که به روش توصیفی، تحلیلی و با ابزار کتابخانه ای نگاشته شده، ابتدا به بررسی معانی مختلف این واژه از نظر لغت پژوهان پرداخته و سپس به طرح دیدگاه‌های گوناگون مبادرت ورزیده و نگاه دو شخصیت مذکور را در خصوص توسل توصیف و تحلیل خواهیم کرد. نتیجه بحث نشان می‌دهد که آن‌ها نه تنها توسل را شرک نمی‌دانند بلکه معتقد به جواز توسل به قرآن، اسماء الهی، پیامبر و صالحین، استغاثه از شخص پیامبر چه در زمان حیات و چه بعد از حیاتشان، زیارت قبور انبیاء و اولیاء، تبرک، شفاعت، تکریم قبور و... می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: توسل، دیوبندیه، خلیل احمد سهارنپوری، اشرف علی تهانوی

۱- مقدمه

توسل یعنی انسان با واسطه قرار دادن اموری به خدا نزدیک‌تر شود. بسیاری از مسلمانان از جواز

۱- استادیار فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) Email: aa.nasiri@theo.usb.ac.ir

۲- کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان Email: f.dehani20@gmail.com

تاریخ دریافت ۹۶/۱۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱۹

توسل به انبیاء و اولیاء الهی چه در زمان حیات و چه بعد از حیاتشان و بسیاری از وجوه توسل دفاع کرده‌اند.

دیوبندیه جریانی است که با هدف آزادسازی هند از استعمار انگلیس و نجات مسلمانان و احیای آموزه های اسلامی به وجود آمد و نماینده نوعی تفکر کلامی و فقهی در چارچوب فقه حنفی و کلام ماتریدی است، دیوبندیه در خصوص توسل به انبیاء و اولیاء هم فکر نیستند که در این زمینه برخی توسل را قبول و برخی رد کرده اند اما برخی از آن ها توسل را جایز دانسته اند که در این جا به بیان دیدگاه های دوتن از آن ها یعنی شیخ خلیل احمد سهارنپوری و اشرف علی تهانوی می پردازیم، این دو نفر اصل توسل و بسیاری از وجوه و اقسام آن را مانند توسل به پیامبر و صالحین، استغاثه از شخص پیامبر چه در زمان حیات و چه بعد از حیاتشان، زیارت قبور انبیاء و اولیاء، تبرک، شفاعت و تکریم قبور را جایز دانسته اند که در این تحقیق ابتدا به بیان معانی توسل، توضیحاتی راجع به دیوبندیه و سپس به معرفی خلیل احمد سهارنپوری و اشرف علی دهلوی و بیان آرائشان در مورد توسل می پردازیم.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

آیا علمای دیوبندیه در زمینه توسل با انبیا و اولیا و صالحین هم فکر هستند؟ نظر اشرف علی تهانوی و خلیل احمد سهارنپوری به عنوان دو تن از علمای دیوبندیه در رابطه با توسل چیست؟ نظریات این دو تن از علمای دیوبندیه در موضوع توسل باهمدیگر چه اختلافات و چه اشتراکاتی دارد؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

ضرورت پرداختن به این تحقیق، آشنایی با افکار برخی از علمای دیوبندیه در باب توسل می باشد و اینکه آن ها قائل به جواز توسل می باشند، برخلاف نظریه عامی که بیانگر عدم جواز اهل سنت به توسل است. البته شاید برخی از علمای اهل سنت توسل به برخی امور را جایز ندانند ولی در میان هرگروهی افرادی تندرو وجود دارند و نمی شود نظر چند نفر تند رو را بر همه اطلاق کرد.

۳-۱- پیشینه تحقیق

در مبحث توسل مطالب فراوانی از طرف علمای شیعه و سنی مطرح شده است. دانشمندان مدرسه دیوبندی با توجه به اینکه خود را حنفی مذهب می دانند توسل را قبول و به مخالفت با وهابیان پرداخته اند. از میان دانشمندان این مدرسه بعضی به صورت کلی مساله توسل را رد کرده اند از جمله احمد ابن عبدالرحیم دهلوی در کتاب حجه الله البالغه چاپ اسلام آباد به این موضوع پرداخته است. همچنین محمد شفیع عثمانی در کتاب معارف القرآن مبحث توسل را مورد بررسی قرار داده است

مقالات و تحقیقات مستقلی تحت این عنوان به زبان فارسی یافت نشد. در این میان فقط یک مقاله تحت عنوان مقایسه دیدگاه دیوبندیه و وهابیت در مساله توسل نوشته شده که در مجله سراج منیر به چاپ رسیده است.

۲- معانی توسل

۲-۱- توسل در لغت

در کتب لغت معانی متعددی برای واژه توسل ذکر شده که به بیان برخی از آن ها می پردازیم. توسل عبارت است از انجام دادن عملی تائبه که به سبب آن به خدا یا دیگری نزدیک تر شویم (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۹۵۷/ جوهری، ۱۴۰۷: ۱۸۴۱/ ابن اثیر، ۱۳۶۴: ۱۸۵).

ابن منظور (متوفی ۷۱۱ ه ق) می گوید: منظور از توسل «نزدیک شدن مقام و منزلت نزد سلطان، چاره جویی برای رسیدن به چیزی با میل و رغبت به درگاه الهی می باشد» (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۷۲۴)

۳-۱- توسل در اصطلاح تفسیری

در اصطلاح تفسیری نیز معانی متعددی برای توسل ذکر کرده اند که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱- توسل «به معنی اتخاذ وسیله برای نزدیک شدن به چیزی می باشد» (ضیاء آبادی، ۱۴۰۵: ۷۲۴)

۲- در اصطلاح توسل عبارت است از آن که انسان، با واسطه قرار دادن اموری از قبیل انجام دادن طاعات، واجبات و مستحبات و ترک محرمات و منهیات و... به خدا نزدیک تر شود و وسیله ای که از طریق آن متوسل می شود باید محبوب و مرضی خداوند باشد. (سبحانی، ۱۴۱۸: ۲۷)

همه معانی لغوی واصطلاحی مذکور در مورد توسل، گویای این مطلب می باشد که انسان می تواند برای نزدیک شدن به خدا از وسیله استفاده کند.

۲- مواردی از توسل در آیات و روایات

در آیات و روایات زیادی به توسل اشاره شده است که به برخی از آن ها اشاره می شود: در قرآن کریم آمده است: «یاایهاالذین امنوا اتقواالله وابتغواالله إلیه الوسیله وجاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون» (مائده: ۱۲۷).

یعنی: «ای افراد با ایمان به خدا تقوایبش کنید و برای رسیدن به او وسیله ای دست و پا کنید (توسل جویند) و در راهش جهاد کنید باشد که رستگار شوید».

تاییدکننده ی این مطلب یکی از خطبه های حضرت علی (ع) می باشد که در آن وسیله را به معنی تحصیل سبب برای تقرب به درگاه الهی گرفته است: «همانا بهترین چیزی که متوسلان به خداوند سبحان به آن توسل می جویند، ایمان به خداوند پیامبر (ص) و جهاد در راه خدا و... برپاداشتن نماز که آن ستون دین است و دادن حق مستمندان و زکات که واجب شرع مبین اسلام است، می باشد».

(ابن ابی طالب، ۱۳۷۸: ۱۰۷-۱۰۶)

در مورد توسل به اسماء و صفات الهی در قرآن مبین آمده است: ولله الاسما الحسنی فادعوه بها (اعراف: آیه ۸۰)

چنین نقل شده است که پیامبر (ص) شنید که مردی می گفت: «اللهم إنی أسألك بأنی أشهد أنك أنت، الآخر، الصمد، الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا أحد». (ترمذی، ۱۴۰۳: ۱۷۸). پیامبر (ص) فرمودند: تو خدا را بوسیله اسم اعظم او خواندی که اگر او بوسیله آن اسم خوانده شود اجابت می کند و اگر از او چیزی خواسته شود عطا می کند. پس در اینجا معلوم می شود که شخصی به اسم اعظم خداوند توسل جسته است.

۳- دیوبندیه

کلمه دیوبندیه برگرفته از شهر دیوبند است که در شمال شرقی دهلی قرار دارد، محمد قاسم نانوتوی با همکاری چند تن دیگر با انگیزه مبارزه با سلطه انگلیس در این شهر، مدرسه علمیه دارالعلوم را در سال ۱۲۸۳ هجری تأسیس کردند، در گذر زمان این مدرسه شهرت جهانی یافت به طوری که به الازهر هند معروف شد، دیوبندیان از نظر فقهی حنفی مذهب و از نظر اعتقادی اشعری

ماتریدی و از نظر طریقتی صوفی هستند. از بزرگان دیوبندیه می توان محمد قاسم نانوتوی، رشید احمد گنگوهی، محمد حسن دیوبندی، اشرف علی تهانوی، خلیل احمد سهارنپوری، انور شاه کشمیری، محمد طیب قاسمی و ابوالحسن علی حسنی ندوی را نام برد (غفوری، ۱۳۹۴: ۳۰-۲۹).

۳-۱- خلیل احمد سهارنپوری

خلیل احمد سهارنپوری عالم، محدث و فقیه حنفی، در سال ۱۲۶۹ در سهارنپور متولد شد، وی یکی از مخالفان وهابیت است که کتاب المهند علی المفند را در نقد وهابیت نوشته است. خلیل احمد در مدرسه عربی دیوبند و مدرسه مظاهرالعلوم دروس مختلف را آموخت. در سال ۱۳۰۸ ق به عنوان استاد دارالعلوم دیوبند انتخاب شد و مدت شش سال در آنجا ماند. سال ۱۳۱۴ ه ق به مدرسه مظاهرالعلوم رفت و ریاست این مدرسه را بر عهده گرفت و به مدت سی سال در این مدرسه ماند. پس از آن به حرمین شریفین رفت، سرانجام در سال ۱۳۴۶ ق در مدینه درگذشت. آثارش عبارتند از: المهند علی المفند، اتمام النعم علی تبویب الحکم، بذل المجهود فی شرح سنن ابی داود (المرعشلی، ۱۴۲۷: ۴۱۲-۴۱۱).

۳-۲- اشرف علی تهانوی

اشرف علی تهانوی در سال ۱۲۸۰ ه ق در تھانه ی هند به دنیا آمد و در نزد علمای بزرگی همچون مولانا محمد یعقوب صاحب، شیخ الھند محمود الحسن دیوبند، مولانا سیداحمد، مولانا عبدالعلی، ملا محمود و... مدت زیادی کسب فیض نمود. وی بیشتر کتب منطق، فلسفه، بخشی از فقه و اصول محمود حسن را خواند، سپس به حجاز و بعد از آن به مکه مسافرت کرد و طریقت را از امدادالله تھانوی، مهاجر مکی فراگرفت. سپس به هند برگشت و مدت طولانی در مدرسه جامع العلوم کانپور مشغول تدریس شد. سپس به زادگاهش تھانه برگشت. وی کتب زیادی نوشته است که برخی از آنها عبارتند از:

انوار الوجود فی اطوار الشھود، التنجلی العظیم فی أحسن تقویم، الإکسیر فی ترجمه التنویر، البوادر و النوادر، حلیه اهل جنت و... وی سرانجام شب سه شنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۶۳ دار فانی را وداع گفت (همان، ۱۴۲۷: ۲۴۷-۲۴۵).

۳-۳-۳- برخی از اعتقادات دیوبندیه در موضوع توسل از دیدگاه سهارنپوری و تهانوی

۳-۳-۱- استغاثه از شخص پیامبر

دیوبندیه درخواست حاجت از شخص پیامبر به صورت مستقیم و ندا قرار دادن ایشان را جایز می‌دانند، شیخ اشرف علی تهانوی در این مورد می‌گوید: «به خدا سوگند می‌خورم احدی بر سر قبر شریف پیامبر (ص) نرفته مگر اینکه شکستش جبران شده و نقصش برطرف گشته و هیچ مضطری به او پناه نبرده مگر اینکه با امنیت برگشته و آرزویش به یأس مبدل نشده است و هیچ سائل و فقیری در نزد قبرش حاضر نشده مگر اینکه حوائجش برطرف گشته و محزونی در زمان حادثه و مصیبتی که بر او وارد شده او را نخوانده مگر اینکه به او با کمک و گشایش پاسخ داده است» (تهانوی، بی تا ۱۴۲).

۳-۳-۲- توسل به پیامبر و صالحین

شیخ خلیل احمد سهارنپوری در این باره می‌نویسد: نزد ما و مشایخ ما توسل به انبیاء، صدیقین، شهداء و اولیاء در دعاها چه در حیات آن‌ها و چه بعد از وفات آن‌ها جایز است. به این گونه که در دعایش بگوید: «پروردگارا من به سوی تو به فلان بزرگوار توسل می‌کنم که دعای مرا مستجاب و حاجتم را برآورده کنی» (سهارنپوری، ۱۴۱۲ ق: ۲۰). بنابراین توسل به این معنایی که گفته اند از نظر ایشان نه تنها به شرک منجر نمی‌شود بلکه جایز نیز می‌باشد.

۳-۳-۳- حیات انبیاء بعد از وفاتشان

در دیوبندیه دو گروه به نام «مماتی» و «حیاتی» وجود دارد که با یکدیگر اختلافاتی دارند؛ دسته ای از دیوبندیه معتقدند پیامبر (ص) همچون بقیه اموات است و حیات ویژه ای نسبت به بقیه اموات ندارد، این دسته در بین دیوبندیه به «مماتی» معروفند و توسل به پیامبر و اولیاء را بعد از حیات جایز نمی‌دانند، دسته ای از دیوبندیه نیز قائل به حیات برزخی برای پیامبر (ص) هستند که آن‌ها را «حیاتی» می‌نامند و برای پیامبر (ص)، شهداء و ... حیات برزخی ویژه ای قائلند. (غفوری ۱۳۹۴: ۳۱) خلیل احمد سهارنپوری و اشرف علی تهانوی از دسته دوم می‌باشند و برای پیامبر، شهداء و ... بعد از وفاتشان، حیات ویژه ای قائل اند که در زیر به بیان آرائشان در این زمینه می‌پردازیم:

خلیل احمد سهارنپوری در کتاب المهند خود می گوید: به عقیده علمای دیوبندیه پیامبر (ص) در مرقدش زنده است و حیاتش مشابه حیات دنیوی است بدون آن که مکلف باشد، این نوع حیات مخصوص به آن حضرت (ص)، تمام انبیاء علیهم السلام و شهداء می باشد و از نوع حیات برزخی که تمام مسلمین حتی همگی مردمان را حاصل است، نیست (سهارنپوری، ۱۴۱۲ ق، ۲۱).
وی می گوید قاضی مظهر حسین دیوبندی گفته است: انبیاء در قبورشان زنده اند، سلام زوآر را می شنوند و خاک و دیوارها مانع شنیدن نیست و امت بر این عقیده اجماع دارند (سهارنپوری، ۱۴۱۲ ق: ۱۴۸).

در این مورد شیخ اشرف علی تهانوی چنین بیان داشته است: اما بودن رسول (ص) به این گونه که سلام شخص سلام کننده را از نزدیک می شنود و ملائکه آن را از دور ابلاغ می کنند، امری ثابت است (تهانوی، اشرف علی، بی تا ۱۴۲).

۳-۳-۴- زیارت قبر انبیاء و اولیاء

علمای دیوبندیه زیارت قبر رسول اکرم (ص) را از اعظم قربات و نزدیک به واجب می دانند. شیخ خلیل احمد سهارنپوری بیان می کند: به عقیده ما و مشایخ ما زیارت مرقد مطهر سید المرسلین از عظیم ترین قربتها و بزرگترین وسیله ها برای دستیابی به درجات بلند می باشد، حتی امری است نزدیک به درجه واجب. باید در موقع مسافرت، زیارت آن حضرت (ص) را کند و در ضمن آن، نیت را برای زیارت مرقد مطهر آن حضرت نیز خالص کند و در آن جا حاضر شود. چون در آن جا حضور می یابد به خودی خود زیارت مسجد نبوی شریف نیز حاصل می گردد زیرا در این صورت مزید تعظیم و اجلال آن حضرت وجود دارد و با این فرمایش آن حضرت (ص) که فرمود: «هر کس به زیارت من بیاید در حالی که جز زیارت من هیچ کاری دیگر او را بدین امر و نداشته باشد، بر من ثابت می گردد که در روز قیامت برای او شفاعت کنم»، مطابقت دارد (سهارنپوری، ۱۴۱۲ ق، ۱۹).

در حدیث «لا تشد الرحال الی مسجد لیصلی فیہ الا الی ثلاثه مساجد» حصر حقیقی نبوده بلکه حصر اضافی و به اعتقاد مساجد صورت گرفته است و در این روایت فقط باید مسجد در تقدیر گرفته شود که در این صورت این روایت دیگر تعلق به زیارت قبور ندارد، مویذ این تقدیر روایتی است که احمد بن حنبل در مسند خود از ابوسعید خدری نقل می کند که پیامبر (ص) فرمودند:

«لا ینبغی للمصلی أن تشدّ رحاله إلى مسجد یتبغی فیها الصّلاه، غیر المسجد الحرام و المسجد الأقصى و مسجدی هذا» (ابن حنبل شیبانی، ۱۴۲۱ ق، ۱۵۲)

خلیل احمد سهارنپوری در کتاب بذل المجهود فی حل ابی داوود کلام جالبی آورده است: نهی در روایت نسبت به شدّ رحال به مساجد است نه به جمیع بقاع و سلّمنا اگر به جمیع بقاع نهی تعلق گرفته باشد، استثنای این سه مسجد به دلیل فضیلتی است دارند و فضیلت قبر نبی اکرم (ص) به گونه ای است که نه تنها اقتضاء دارد زائر به سوی آن شدّ رحال کند بلکه اولی این است که زائر با پای چشم به قصد زیارت نبی اکرم سفر کند (سهارنپوری، بی تا ۳۸۲)

اشرف علی تهانوی روایت را مفسر حدیث «لا تشدّ الرحال» دانسته و می گوید: اگر این حدیث را به عنوان مفسر قبول نکنیم، لا اقلّ محتمل است که حدیث فقط مربوط به مساجد باشد و تعلق به زیارت قبور نداشته باشد و هنگامی که احتمال دیگری داده شود، استدلال با حدیث مذکور بر حرمت سفر برای زیارت باطل است.

تهانوی در فتاوی خود تصریح می کند که نهی در روایت، مربوط به صورتی است که شخص مسافر به نیت تضاعف و افزایش در ثواب نمازش به مسجد دیگری سفر کند که این روایت با نهی اش چنین فضیلتی را رد می کند لذا بدین صورت حدیث مذکور از بحث زیارت قبور خارج است (تهانوی، ۱۴۳۱ ق، ۹۳-۹۲).

۳-۳-۵- تبرک، شفاء و تکریم قبور

علمای دیوبندی به بهره جستن از اهل قبور و تبرک به قبر آن ها و حصول شفاء از خاکشان معتقدند. شیخ خلیل احمد سهارنپوری در این خصوص می گوید: «اما استفاده از روحانیت مشایخ جلیل و وصول فیوض باطنی از سینه هایشان یا از قبورش اندر طریقت معروف اهل و خواص آن صحیح می باشد نه آنچه در نزد عوام شایع است...» (سهارنپوری، ۱۴۱۲ ق، ۴۵)

شیخ اشرف علی تهانوی مطلبی را بیان می کند که دلالت بر جواز طلب شفاء از امور متبرکه دارد، وی می گوید: شیخ معین الدین کرامتی را ذکر کرد که برای پدرش (شیخ محمد یعقوب نانوتوی) بعد از وفاتش ظاهر شد. وی گفت تب در روستای «نانوته» شایع شد و مردم به خاک قبر شیخ محمد یعقوب طلب شفاء می کردند. هرکسی که چیزی از خاک قبرش را می گرفت و به بدنش می زد از بیماری تب شفاء می یافت (خفقانی، بی تا ۳۳۹).

۳-۴- مصادیق شرک از دیدگاه دیوبندیه

در مورد جواز و عدم جواز توسل این اشکال پیش می آید که آیا توسل به شرک می انجامد یا خیر؟ به همین دلیل به بررسی آن پرداخته و ابتدا به تعریف شرک و مصادیق آن مبادرت ورزیده و در نهایت توسلی را که منجر به شرک می شود توضیح می دهیم.

شرک از منظر قرآن، به معنای همتا و شریک قرار دادن چیزی با خداوند متعال است و دارای انواعی است: شرک در ذات، شرک در الوهیت، شرک در ربوبیت، شرک در عبادت و... در اصطلاح قرآنی «شرک» به معنای شریک و همتا قائل شدن برای خداوند است (فیومی، ۱۴۲۵، ج ۲-۱: ۳۱۱) در قرآن کریم آمده است که لقمان خطاب به پسرش فرمود: «یا بنی لا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» در این آیه شرک در معنای اصطلاحی اش بکار رفته است. (قرشی، ۱۳۶۷، ج ۴: ۲۰). آنچه بیشتر از همه در قرآن مطرح شده و مورد انتقاد قرار گرفته، شرک در عبادت است چون رایج ترین شرک در ادیان و مذاهب در تاریخ بشر بوده است و اکثر مردم گرفتار این نوع از شرک بوده و هستند.

آیات فراوانی در مورد این شرک در قرآن وجود دارد از جمله: «وقال الله لا تتخذوا الهین اثین انما هو اله واحد فایای فارهبون» (نحل / ۳۶) و خدای یکتا فرمود: که به راه شرک و دو خدایی نروید که خدا یکی است پس تنها از من بترسید و بس.

به نظر می رسد که در آیه فوق باید الوهیت را به معنای «خالقیت و استقلال در تدبیر» دانست. پس بر این اساس اگر کسی در برابر یکی از شخصیت های برتر و مقرب با این اعتقاد خضوع و خشوع کند، عبادت غیر خدا محسوب می شود و آلوده ی به شرک عبادی شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۲۲)

حال به بیان مصادیق شرک از دیدگاه علمای دیوبندیه می پردازیم:

اول: اعتقاد به حاضر و ناظر بودن میت: یعنی شخص معتقد باشد اولیای الهی می توانند در هر مکانی از عالم حاضر شوند و ناظر به هر مکانی باشد و معنای شهید، حاضر و معنای بصیر، ناظر است؛ و این دو صفت از صفات خاصه خداوند است و نسبت دادن آن دو به غیر الله شرک و کفر است. (حیدری نسب، ۱۳۹۳: ۷۹) دوم: اعتقاد به علم غیب غیرالله از مواردی است که آن را شرک می دانند چون استعمال کلمه علم غیب را مختص خداوند می دانند و استعمال آن را برای غیر خداوند جایز نمی دانند. (همان، ۱۳۹۳: ۸۴-۸۵)

محمد شفیع عثمانی در تعریف علم غیب می گوید: «علم غیب عبارت از علمی است که بدون واسطه و سبب طبیعی برای شخصی حاصل می شود و هنگامی که از درب علم چیزی برای انبیاء به وسیله وحی و برای اولیاء به الهام و برای منجمین و مثل آنها به حساب ها و اسباب طبیعی حاصل می شود پس آن ها از اخبار غیب است نه علم غیب» (عثمانی، ۱۳۸۱: ۵۴)

سوم: دیگر مساله ای که بعضی از علماء دیوبند شرک می دانند عبارت است از: خواست امری از غیر الله که در حیطه قدرت الهی است. بنابر این استعانت از غیرالله را شرک می دانند. البته استعانتی که با اعتقاد به استقلال ولی باشد (حیدری نسب، ۱۳۹۳: ۸۶).

مولانا شبیر احمد عثمانی، تکریم و تعظیم و حتی سجده از روی تحیت بر قبور یا قبه ها را شرک نمی داند و می گوید: «اگر شخصی قبر یا هر چیزی غیرالله را سجده کند، قطعاً کافر می شود اما ضروری نیست هر سجده ای حتماً سجده عبادت باشد که شرک حقیقی و شرک جلی است؛ زیرا این امکان هم وجود دارد که آن سجده، سجده تحیت باشد که مقصود از آن رعایت تعظیم فرد و دیگری است و این نوع سجده تعظیمی در حکم شرک جلی نیست. البته در شریعت ما قطعاً نارواست و می توان مرتکبش را مجازات نمود، اما نمی توان چنین شخصی را مشرک قطعی و مباح الدم و المال قرار داد، در خود قرآن کریم جریان سجده کردن فرشتگان بر حضرت آدم (ع) و سجده کردن برادران و والدین حضرت یوسف بر وی ذکر شده است و اکثریت قاطع مفسران از این سجده، سجده معروف یعنی پیشانی بر زمین نهادن را مراد گرفته اند و آن را سجده تعظیمی قرار داده اند. خلاصه اینکه اگر شخصی یک چیزی را غیر الله سجده ی تعظیمی کند، در شریعت ما حتماً مجرم و گنهکار می شود اما نمی توان او را مشرک، کافر و مهدور الدم و المال قرار داد.» (سهارنپوری، ۱۴۱۲: ۵)

با توجه به مطالب بالا معلوم می شود که هر توسلی منجر به شرک نمی شود بلکه مشرک کسی است که برای غیر خدا نقشی مستقل در عالم وجود قائل باشد و آن توسلی منجر به شرک می شود که ما برای موجودات تاثیر استقلالی قائل شویم. حتی اگر کسی برای غیر خدا سجده تعظیمی کند، نمی توان وی را مشرک نامید بلکه چنین شخصی فقط دچار اشتباه شده است و مجرم و گناهکار می شود، نه مشرک.

۵- نتیجه

در پایان بحث این نتیجه حاصل می شود که همه علمای دیوبندیه در خصوص توسل انبیاء و اولیاء و صالحین هم فکر نیستند و در این زمینه به دو دسته حیاتی و مماتی تقسیم می شوند. دسته اول توسل به مرده و زنده را جایز دانسته و دسته دوم توسل به مرده و برخی از اقسامش را رد کرده و اعتقاد به آن را شرک دانسته اند و از مصادیق شرک نزد آن ها می توان به این موارد اشاره کرد: اعتقاد به حاضر و ناظر بدن میت، اعتقاد به غیب و نه به اخبار غیبی برای غیر الله، درخواست امری از غیر الله که در حیطه قدرت الهی است همراه با اعتقاد به قدرت استقلاللی برای آن غیر و... . بیشتر آن ها توسل و وجوه مختلفش را پذیرفته اند. از جمله این افراد می توان به خلیل احمد سهارنپوری و اشرف علی تهانوی اشاره کرد که معتقد به توسل به پیامبر و صالحین، استغاثه از شخص پیامبر چه در زمان حیات و چه بعد از حیاتش، زیارت قبور انبیاء و اولیاء، تبرک، شفاعت، تکریم قبور و... می باشند.

۶-منابع

۱- قرآن کریم

- ۲- بن ابی طالب، علی، نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰، ترجمه جعفر شهیدی، ج ۱۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸
- ۳- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، تحقیق: طاهر احمد الزاوی و محمود الطنامی، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۴
- ۴- ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، جلد ۱۸، تحقیق: شیخ الأرنؤوط، عادل مرشد و آخرون، بی جا، موسسه الرساله، ۱۴۲۱ ق.
- ۵- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، قم ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ه.
- ۶- ترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، تحقیق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت: دارالفکر ۱۴۰۳
- ۷- تهانوی، اشرف علی، امداد الفتاوی، جلد ۵، کراچی: مکتب دارالعلوم، ۱۴۳۱ ق.
- ۸- تهانوی، اشرف علی، نشر الطیب فی ذکر النبی الحبيب، لاهور: کمپانی تاج، بی تا.
- ۹- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح فی اللغه و العلوم، تحقیق: احمد عبد الغفور، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- ۱۰- حیدری نسب، محمد باقر، ندای غیر الله از دیدگاه علمای دیوبندی، پژوهش نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر، سال چهارم، شماره ۱۳، صفحات ۷۷-۱۰۸، ۱۳۹۳.
- ۱۱- خفقانی، نجم الدین، ارواح ثلاثه، کراچی؛ مطبع کتب خانه مظہری، بی تا.

۱۲- سبحانی، جعفر، *التوسل مفهومه واقسامه وحكمه فی شریعه الاسلامیه*، چاپ دوم، بیروت:

دارالمرشد للطباعه و النشر، ۱۴۱۸ ه. ق.

۱۳- سهارنپوری، خلیل احمد، *بذل المحمود فی حلّ أبی داوود*، تعلیقه: کاندهلوی،

محمدزکریا، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا.

۱۴- سهارنپوری، خلیل احمد، *المهند علی المهند*، ترجمه با عنوان عقاید اهل سنت و جماعت

در رد وهابیت و بدعت، سربازی، عبدالرحمن ۱۴۱۲ ه. ق، بی جا، ۱۳۲۵ ه. ق.

۱۵- ضیاع آبادی، سیدمحمد، *توسل*، ج ۳، تهران: نشر بنیاد بعثت، ۱۳۷۵.

۱۶- عثمانی، محمد شفیع، *معارف القرآن*، ترجمه: محمد یوسف حسین پور، تربت جام: شیخ

الاسلام احمد جام، چاپ دوم، ۱۳۸۱.

۱۷- غفوری، مصطفی، *مقایسه دیدگاه دیوبندیه و وهابیت در مسئله توسل*، پژوهش نامه نقد

وهابیت؛ سراج منیر، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۴۸-۲۷، ۱۳۹۴.

۱۸- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، ج ۳، تحقیق: محمد محزومی، چ ۲، موسسه

دارالهجره، ۱۴۰۹.

۱۹- فیومی، احمد بن محمد بن علی المقری، *مصباح المنیر*، قم: موسسه دار الهجره، ۱۴۲۵ ه.

۱۴۱۴ ق.

۲۰- قرشی، سیدعلی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

۲۱- المرعشلی، یوسف، نثر الجواهر و الدرر فی علماء القرن الرابع عشر، ص ۴۱۱ و ۴۱۲،

جلد اول، بیروت- لبنان: دار المعرفه، ۱۴۲۷هـ، ۲۰۰۶م.

۲۲- مکارم شیرازی، پیام قرآن، ناشر: مدرسه الامام امیرالمومنین (ع)، انتشارات نسل جوان،

۱۳۶۹.